

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه مقالات

همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران

تهران - اردیبهشت ۱۳۸۳

مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی عشایر ایران جلد اول

به کوشش: روابط عمومی سازمان امور عشایر ایران

زیر نظر: مهندس علی اکبری و همکاری دکتر کیانوش کیانی هفتلنگ

مدیر اجرایی: یونس اصغری

ویراستار علمی: مهدی میزبان

ویرایش: علی سوری

طراحی جلد: مریم شمیرانی

صفحه آرا: مهدی اشرفی

ناشر: نقش بیان با همکاری سازمان امور عشایر ایران

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰

سپاس از آقای احمد رحیمی و پرویز بقایی

شابک: ۹۶۴-۸۳۸۲-۰۵-۰

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

پیشگفتار / مهندس علی اکبری	۱
فصل اول: عشایر، تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی	۹
ارزشیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی طرحهای ساماندهی عشایر در کانونهای گل افشان و ... /	۹
اصغر صالحی	۱۱
ارزیابی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کانونهای اسکان عشایر / دکتر اسکندر صیدی -	۴۷
دکتر پاپلی یزدی - دکتر ژان پیردیگار	۶۷
بررسی فرایند تغییر و تحولات اجتماعی-اقتصادی جامعه عشایری / مهدی میزبان	۹۵
نظام مختابادی، جایگزینی برای آینده دور یا نزدیک زندگی عشیره‌ای / دکتر حسین بارانی	۱۲۷
بررسی توانایی‌های زنان عشایری با تأکید بر نقش آنان در اقتصاد تولیدی عشایر / مهدی محمدی	۱۶۱
فرایند نوسازی و دگرگونی در ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایلات /	۱۸۹
دکتر سکندر امان‌اللهی بهاروند - اصغر فیروزی	۲۰۳
کوچ انسان و دام در جنوب فرانسه / دکتر علی اکبر مهرابی	۲۳۷
مدیریت، جهانی‌شدن و تغییر و تداوم هویت قومی - فرهنگی طایفه دهدار / اسفندیار غفاری نسب	۲۳۷
فصل دوم: عشایر، اقتصاد، منابع طبیعی و محیط زیست	۲۳۷
قابلیت‌ها و توانمندیهای نظام دامداری عشایر در پایداری و مدیریت تعادل دام و مرتع / علی اکبری -	۲۳۹
مهندس علی محمد یوسفی باصری	۲۸۱
مقدمه‌ای بر روشهای و سیاستهای توسعه و ساماندهی عشایر از دیدگاه توسعه انسانی، توسعه پایدار و ... /	۳۲۷
دکتر احمد محمدپور - نگار احمدی	۳۴۹
بررسی پایداری نظام دامداری عشایری / رضا نیکدخت - دکتر عزت‌اله کرمی	۳۷۳
نقش عشایر در توسعه اقتصادی ایران / دکتر بهاء‌الدین نجفی	۳۹۵
تحلیل اقتصادی-اجتماعی تولید و بازار ورنی در مناطق عشایری ارسباران / حسین کوهستانی - قادر رشتی	۴۲۱
بررسی و مقایسه اسکان عشایر خودجوش و هدایت‌شده از نظر میزان علوفه بهره‌برداری کرده ... /	
دکتر سیدحمید حبیبیان	
آمایش سرزمین، سیاست راهبردی برای توسعه پایدار منابع طبیعی و ... / احمد احمدی -	
دکتر عباسعلی سندگل	

۴۳۵	فصل سوم: عشایر، برنامه‌ریزی و توسعه
۴۳۷	مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر / دکتر جعفر نوکلی
۴۶۹	اسکان عشایر در منطقه بهار / حمیدرضا وجدانی - برزو حسینی‌تبار
۴۹۱	ارزیابی برنامه‌های سامان‌بخشی به زندگی عشایر کوچنده در استان فارس / مهندس محمد نوکلی - مهندس ساسان تاجگردون
۵۰۳	برنامه‌ریزی منطقه‌ای روشی مناسب جهت ساماندهی عشایر / جعفر ضابطیان
۵۲۹	گردشگری در مناطق عشایری ایران چالشها و چشم‌اندازها / احمد رحیمی
۵۶۱	گردشگری در ایل تشقایی و ارائه طرح توسعه آن / دکتر مهدی قرخلو / مهندس علی اکبری
۵۸۳	ظرفیتها و جاذبه‌های گردشگری در مناطق عشایر اردبیل / دکتر نصرالله مولایی هاشجین
۶۰۳	برنامه‌ریزی توسعه جامع عشایر ایران از دیدگاه توسعه ناپایدار / دکتر علیرضا استعلاجی - مهندس نادر عزیزاده
۶۲۵	فصل چهارم: عشایر، آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی
۶۲۷	آینده عشایر در فرایند برنامه‌ریزی توسعه ملی / دکتر محمدحسین عمادی
۶۶۳	ارزیابی مشارکتی طرح اسکان عشایر / بهروز خضری، امین آقایی و کاظم فرجادنیا
۶۸۹	نقش مشارکت مردم در طرحهای مرتعداری و... / علی مصطفی‌زاده
۷۲۱	بررسی راههای ترغیب اولیای دانش‌آموزان عشایر سیار استان اردبیل / محمد اسماعیلی
۷۴۳	بررسی راهکارهای بهینه‌سازی عملکرد تعاونیه‌های عشایری /... / علی محمد مؤدی و حسن پهلوانی
۷۶۹	بررسی مسائل و مشکلات ترویج کشاورزی در ساماندهی اسکان عشایر... / مهندس محمدرضا میرامینی
۷۸۵	بررسی و شناسایی نیازهای آموزشی-ترویجی عشایر استان کرمانشاه / محمدرضا اسماعیلی متین - قدرت‌اله عزیزی
۸۱۱	فصل پنجم: ضمايم
۸۱۳	خبر مقدم / مهندس علی اکبری
۸۲۷	سخنرانی افتتاحیه وزیر جهاد کشاورزی / مهندس محمود حجتی
۸۳۷	گزارش دبیر همایش / دکتر حسن عباسی معروفان
۸۴۳	سازمان اجرایی
۸۴۷	بیانیه
۸۵۵	چکیده نتایج نظرسنجی

بیشگفتار

مهندس علی اکبری*

شیوه زندگی عشایری توأم با کوچندگی یکی از متقدم‌ترین اشکال حیات اجتماعی است که از واپسین دوران شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسانها آغاز گشته و با پشت سر گذاشتن سلسله فراز و فرودهای تاریخی تا به امروز استمرار پیدا کرده است. همزیستی و تعامل با محیط زیست و کوشش مداوم برای انطباق و سازگاری این شیوه زندگی با شرایط و مقتضیات اقلیمی - جغرافیایی هر منطقه باعث شده است که شکل زندگی و معیشت، نظام کوچ و استقرار و بهره‌برداری از منابع محیطی، در بین گروههای عشایری اشکال مختلفی به خود بگیرد. برآورد شده است که حدوداً بین ۱۵۰-۲۰۰ میلیون نفر در دنیا زندگی شبانی داشته و بر اساس نظام گله‌داری مبتنی بر کوچ و بهره‌برداری بی‌واسطه از مراتع و سایر منابع محیطی زندگی می‌کنند. امروزه پهنه بسیار گسترده‌ای از آسیای مرکزی، خاورمیانه و نوار شمالی آفریقا تا منتهی‌الیه غرب آن قاره و عرصه‌های برخی دیگر از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته اشکالی از شیوه زندگی مبتنی بر کوچندگی قابل مشاهده می‌باشد.

* رئیس سازمان امور عشایر ایران و رئیس ستاد همایش

حدود ۴۰ درصد از سطح کره زمین را مناطق خشک تشکیل می‌دهد. اگر مراتع مناطق کوهستانی و ارتفاعات دور از دسترس را که تا حدی خصوصیات مشترکی با مناطق خشک دارند - گرچه خشک نیستند - نیز به آن اضافه کنیم عرصه و فضای جغرافیایی قابل ملاحظه‌ای را دربرمی‌گیرد. ناپایداری شرایط اقلیمی، به ویژه پایین بودن میزان بارندگی، در عین حال توزیع زمانی نامناسب و متغیر بارش‌ها از جمله مشخصه‌های اصلی مناطق خشک به شمار می‌روند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پایدارترین مدیریت زمین و بهره‌برداری از منابع یک چنین نواحی، زندگی شبانی و دامداری مبتنی بر کوچندگی است. ایران با میانگین بارندگی سالانه کمتر از ۲۵۰ میلی‌متر، (حدود یک سوم میانگین بارندگی دنیا)، جزء مناطق خشک و نیمه خشک محسوب می‌شود، بهمین جهت زندگی عشایری با کوچ از بیلاق به قشلاق و بالعکس بعنوان نوعی الگوی تمهیدی برای سازگاری با تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری از منابع طبیعی از عوامل اصلی پیدایش و تکوین زندگی کوچندگی است که از قدمتی چندین هزار ساله در این مرز و بوم برخوردار است.

از اواخر قرن هیجدهم تاکنون شیوه زندگی کوچندگی بعنوان نوعی از جوامع ابتدایی یا بومی، عمدتاً توسط مردم‌شناسان با جهت‌گیری بررسی‌های فرهنگ شناختی و نظام انجام می‌گرفت ولی از دهه ۱۹۵۰ ابعاد دیگری از زندگی عشایر، بخصوص جنبه‌های مختلف سازگاری و همزیستی آنها با محیط در مناطق خشک نیز مورد توجه و بررسی قرار گرفت. اخیراً کارشناسان علم اقتصاد و جغرافیدانان نیز علاقمند به پژوهش و بررسی در این حوزه شده‌اند. متخصصان علوم دامی با فرض آنکه نظام دامداری سنتی ناکارآمد و غیراقتصادی می‌باشد پیشنهاد تأمین دام‌های با نژاد بهتر و

نوسازی نظام‌های مدیریت بهره‌برداری را سر دادند. کارشناسان منابع طبیعی نیز با دفاع از این نظریه در تلاش برای تعمیم یافته‌های فنون مدیریت مراتع، با الگوگیری از مدل آمریکای شمالی به مناطق دیگر بودند.

مسایل جوامع عشایری در دنیا در عین متنوع بودن شباهت‌های فراوانی نسبت به همدیگر دارند ولی امروزه بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر برداشت‌های نادرست، قالبی، سوء تفاهمات و سیاست‌های ناکارآمد در حاشیه قرار گرفته‌اند. از چند دهه قبل که دولت‌ها و آژانس‌های توسعه اقدام به بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی کوچندگان نمودند، در ابتدا دیدگاه و ذهنیت این بود که چنین زندگی در دنیای صنعتی و پویا، با ارکان و نیازمندی این دوران سازگاری نداشته و به خاطر عقب‌ماندگی یا توسعه نیافته بودن بایستی بر اساس الگوهای پیشرفت و ترقی نظام دامداری و دامپروری در غرب، نوسازی و مدرنیزه شوند.

تصور این بود که عشایر عامل بیابان‌زایی هستند و بدون توجه به معلومات و دانش بومی پر دامنه و غنی دامداران و نادیده گرفتن جنبه‌های مختلف مدیریت بومی - محلی و نظام بهره‌برداری آنان از مراتع، صرفاً بدنبال راه‌حلی بودند که متکی بر علوم جدید ارایه طریق می‌نمود. در این فرآیند به ارتباط، وابستگی و همزیستی عشایر با محیط زیست، تعامل و نیازهای متقابل آنان با طبیعت توجه نشد و دولت‌ها، مدیریت اراضی و به ظاهر نقش اصلی را در سرمایه‌گذاری بر عهده گرفتند. هدف اصلی دولتمردان، کاهش و محدود نمودن حرکت و جابجایی عشایر و فراهم آوردن زمینه یکجانشینی آنان بوده و اسکان به عنوان مدل توسعه و مبتنی بر تفکر دولتی و تجربه نشده در دستور کار قرار گرفت.

دست‌آورد این راهبردها در دنیا، بدلیل فقدان سازوکار مناسب و عدم پابندی دولت‌ها به تعهدات خود، موجب شکست برنامه‌های اسکان، افزایش مهاجرت، حاشیه‌نشینی و بیکاری، گسترش فقر و از بین رفتن بهترین گونه‌های دامی بخاطر سوء تغذیه و بیماری گردید و محیط زیست نیز دچار آسیب شد و نشان داد که آنچه در آمریکا برای مدیریت چرا اعمال شده است در سایر مناطق کاربرد ندارد. دامداران به لحاظ نیاز به منابع علوفه‌ای و دسترسی به آب، در برابر این اقدامات دست به مقاومت و مخالفت زدند و متهم شدند که به لحاظ ناآگاهی، بی‌سوادی و تفکر سنتی در برابر توسعه کارشکنی می‌کنند. بهر حال شکست سنگین این گونه سیاست‌ها و برنامه‌های غیرکارشناسی و تحمیلی، دست‌اندرکاران را به تفکر وادار نمود. آنان امروزه پی برده‌اند که کوچندگی بویژه در مناطق خشک بعنوان یک ضرورت زیست محیطی مطرح است و شیوه زیست متعادل شده عشایری در پایداری محیط‌های خشک بهترین شیوه مدیریت است و حتی در کشورهای توسعه یافته نیز تلاش می‌شود با ایجاد تسهیلات لازم برای جابجایی دامداران به پایداری طبیعت و زادآوری محیط زیست توجه شود. در سال‌های اخیر تغییراتی در بینش و دیدگاه‌های پژوهشگران بوجود آمده و شکل‌گیری تشکلهای غیردولتی نیز بدان قوت بخشیده است. نسل جدید پروژه‌های مرتبط با دامداران از ویژگی‌های دیگری برخوردار است و دانش بومی، فنون بهره‌برداری از مراتع، سازگاری با محیط در شرایط ناپایدار و بحرانی و نظام مشارکتی عشایر در مدیریت و تعیین پروژه‌ها را مورد ملاحظه قرار داده است. کارشناسان مراتع به زادآوری و پویایی مراتع با حضور عشایر واقف شده‌اند، متخصصان علوم دامی به قابلیت نژادهای بومی دام‌ها و تلاش برای افزایش بهره‌وری پی برده‌اند، دامپزشک‌ها به

توانمندی‌های ذاتی و دانش تجربی آحاد عشایر در درمان بیماری‌های دامی و قوف حاصل کرده و کارشناسان علوم اجتماعی به مطالعه چگونگی و ابعاد کاربرد و توفیق نهادهای اجتماعی و عرفی در حل و فصل مسایل و نظارت و مدیریت محلی اقبال خاصی نشان می‌دهند. ماحصل اینکه کارکردهای مثبت، مستمر و سازنده نظام زندگی کوچندگی به عنوان عامل اصلی پایداری زمین در مناطق خشک، شایستگی‌های خود را به اثبات رسانده است. با همه تفاسیل هنوز برداشت‌های قالبی، ذهنیت‌ها و سوء تفاهمات نسبت به این شیوه زیست در برخی محافل وجود دارد. تصمیم‌گیران هنوز بر این باورند که:

- شیوه زیست عشایری یک روش تولیدی کهنه است که دوران آن سپری شده است.
- کوچندگی ذاتاً نوعی عقب‌گرد، غیرضرور، مخرب و مرج‌زا است.
- تخریب مراتع غالباً ناشی از چرای زیاد دام‌های عشایری است.
- عشایر به لحاظ بهره‌برداری مشاع از مراتع نسبت به بقای آن توجه لازم ندارند.
- مشارکت عشایر در فعالیت اقتصاد ملی ناچیز است.
- عشایر نسبت به جماعات اسکان یافته بهره‌وری کمتری دارند.
- عشایر برای بهره‌مندی از خدمات باید اسکان یابند.
- عشایر مانع توسعه و عامل بازدارنده در برنامه‌ریزی هستند.
- مزیت نسبی جمعیت محدودی بنام عشایر در برابر کل جامعه چیز مهمی نیست و بهتر است نادیده گرفته شوند.
- و بالاخره بهتر است ارایه هرگونه خدمات به جوامع کوچنده قطع شود تا بناگزیر اسکان یابند!

جامعه‌ی عشایری ایران با پیشینه‌ای چندین هزاره، در تغییر و تحولات تاریخ کشور نقش‌آفرین بوده‌اند و تا اوایل حکومت پهلوی در ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور حضوری فعال و چه بسا نقش حاکمیتی داشته‌اند. دوران پهلوی، دوران تاریک و سیاه برای عشایر است؛ ملی کردن جنگلها و مراتع و تقسیم اراضی، لطمات جبران‌ناپذیری هم به منابع پایه، محیط زیست، مراتع و چراگاه‌ها وارد نمود و هم زندگی جوامع کوچنده دچار نابسامانی و فروپاشی گردید. از این دوره به بعد عشایر ایران نیز از گزند بدبینی‌ها و سوء برداشت‌ها در امان نمانده و جهت‌گیری سیاست‌ها بر آن شد تا به هر نحو ممکن این بخش از جامعه ملی مهار شده، حذف گردد و بدون برنامه در سایر جوامع ادغام شود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بویژه در دهه اول، عشایر مورد توجه قرار گرفته و مجدداً وارد نظام برنامه‌ریزی شد. در این دوره فعالیت‌های گسترده‌ای در جهت خدمات‌رسانی به عشایر در شرایط کوچندگی صورت گرفت. دیدگاه امام راحل (ره)، حضور فارغ‌التحصیلان عشایری در ارکان مدیریتی-اداری، جریان جنگ تحمیلی و نقش عشایر و حضور گسترده آنان در جبهه‌ها و یا پشتیبانی‌های مادی و معنوی، همانند سایر اقشار، در این روند بی‌تأثیر نبود.

بعد از یک سلسله همایش‌های ملی و بین‌المللی چالش‌برانگیز و مطالعات مختلف که صورت گرفت، اسکان عشایر داوطلب قانونمند شد و برای اولین بار در برنامه دوم توسعه، مشروعیت قانونی پیدا نمود. با این حال بدون آنکه سازوکارهای مناسب برای اسکان تنظیم و ظرفیت‌سازی شود، خود موضوع بیش از حد بزرگنمایی شد و انتظار عجولانه برای تبدیل چادر به چهاردیواری و یکجانشین شدن خانوارهای کوچنده

ابهامات را بیشتر نمود. بدلیل همان برداشت‌های نادرست و نگاه قالبی، در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ردیف بودجه عشایر به حوزه عمران شهری و روستایی منتقل گردید و این تنها و نامناسب‌ترین اتفاقی بود که صورت گرفت. همه مأموریت‌ها به عهده سازمان امور عشایر ایران محول گردید بدون آنکه منابع اعتباری جدید تامین شود.

مقوله اسکان و شروع برنامه‌های دوم و سوم توسعه بار دیگر عشایر را از مدار برنامه‌ریزی خارج نموده و به حاشیه راند و تمرکز فعالیت‌ها بر موضوع پیچیده و چند انضباطی اسکان، خدمات به کوچندگان را نیز کم رنگ نمود. کانون‌های توسعه و زیست‌بوم‌های عشایری مورد مطالعه و امکان‌سنجی قرار گرفت. مناطقی برای اسکان تعدادی از خانوارها انتخاب و عملیات آماده‌سازی و فعالیت‌های اجرایی شروع شد. حدود یک دهه تلاش‌های توأم با آزمون و خطاهای فراوانی صورت گرفت و در نتیجه آن نوآبادها یا شهرک‌های عشایری جدید پایه‌گذاری شدند. دستاوردها و تأثیر اقدامات بندرت مورد ارزیابی و بررسی تطبیقی قرار گرفت، ولی همزمان قلمرو و مناطق عشایری و مسیرهای کوچ آنان بشدت تحت تأثیر طرح‌های مختلف - بدون توجه و یا جبران حقوق بین نسلی عشایر - در معرض انواع تصرف و یا تخریب‌ها قرار گرفتند، بطوریکه بهره‌برداران جدیدی در عرصه مراتع ظهور نمودند و رقابت در بهره‌برداری از طبیعت و تهدید منابع پایه از آسیب‌های جدی این دوران به شمار می‌روند. همچنین طی این فراز و نشیب‌ها لطمات زیادی به ابعاد مختلف زندگی عشایر وارد شد. با وجود این اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۷ در مقایسه با سرشماری ۱۳۶۶ نتایج غیرمنتظره‌ای را نشان می‌داد، جمعیت عشایر کوچنده ۱۵٪ بیشتر شده بود. بعد از حدود یک دهه فعالیت، دستاوردها، آثار و نتایج کار مستلزم ارزیابی و بررسی‌های کارشناسی بود. تنظیم چشم‌انداز بیست ساله نظام، سیاست‌های کلان و

سازماندهی برای تدوین برنامه چهارم توسعه نیز بهانه مؤثری بود که در یک هم‌اندیشی علمی، مجموعه سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌های اجرایی، الگوهای توسعه و ساماندهی، پیامدها و... بررسی و به چالش کشانده شود و بهمین لحاظ همایش ملی ساماندهی جامعه‌ی عشایر کشور پایه‌گذاری شد. در جلسات متعدد مشورتی: اهداف، محورها، موضوعات، ابعاد مساعدت دستگاه‌های همکار، منابع و زمانبندی اجرای همایش تدوین و اعلان عمومی گردید. این همایش از چند ویژگی برخوردار بود:

- پس از یک دهه وقفه، موضوع عشایر مجدداً به بررسی، هم‌اندیشی و چالش علمی کشانده شده و مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت.

- دریافت ۴۴۵ خلاصه مقاله و ۲۶۴ اصل مقاله از نقاط قوت همایش بود.

- ورود پژوهشگران جوان و بانگیزه، چشمگیر و امیدوارکننده بود.

- برخی از کانون‌های اسکان مورد بررسی تطبیقی و ارزیابی کارشناسی قرار گرفته

بود.

آنچه تنظیم شده و در اختیار شماسات بخشی از مقالات همایش است که توسط هیأت داوران علمی داوری و ممیزی شده است.

در برنامه‌های اصلی این همایش ۳۰ مقاله به صورت سخنرانی، ۲۳ مقاله به صورت پوستر و تعدادی نیز که بدلیل محدودیت وقت، فرصت ارایه نبود ولی از امتیاز لازم برخوردار بودند در این مجموعه چاپ شده‌اند.

در پایان از اعضای محترم شورای سیاست‌گذاری، کمیته علمی، هیأت داوران، برگزارکنندگان و حمایت‌کنندگان همایش و کمیته‌های مختلف که با تلاش صادقانه همراه با احساس مسئولیت، زمینه برگزاری آبرومندانه همایش را موجب شدند تشکر می‌نمایم.